



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 14 Issue: 30
Spring 2023

Article Type: Research Article

Pages: 245-273

A Comparative Study of the Legal Effects of Forming an Economic Group in the Form of a Civil Company in Iranian and French Law

Davod Hejaazi¹ | Javad Niknejad^{2✉}

1. Ph.D. Candidate in Private Law, Islamic Azad University, Qaimshahr Branch, Iran.

hejaazi.davod@gmail.com

2. Assistant Professor, Islamic Azad University of Tehran West, Iran.

j.n406@yahoo.com

Abstract

Global development is the result of rapid, dramatic and unprecedented advances in science and technology and especially international communications. Undoubtedly the implementation of important development, industrial and economic projects requires the cooperation and interaction of various people and specialties and also investment security. The most important form of providing security for a country's foreign investment is achieved through national legislation. The Iranian legislature, following the developed countries, first in the article 107 of the Fifth Development Plan Act and subsequently in the article 24 of the Permanent Provisions of the Country's Development Plans Act, has introduced the legal framework of the "Economic group with common interests" in one article and its following notes, to the legal and economic community of the country, stipulating the formation of these groups in the form of "Civil Partnership" and has explained the limits of the obligations and powers of the group's members. However, in this law, cases have been raised by the legislator that are basically inconsistent with the rules of civil partnership and although this law is practically an adaptation of the law of France, the ratified text is fundamentally different from the French regulations. On the one hand, the legislative stipulation on the formation of a group in the form of a civil company implies the provisions of the civil law under the title of partnership contract which exclusively deals with the management of common property, but such rules are basically not enough to form and run a group. On the other hand, some of these regulations are not commensurate with the goals and functions of the group. In addition, the guarantee of non-compliance with the conditions set forth in this article is generally unexplained and it is not clear what responsibilities will be assigned to the members and managers of the group. It also emphasizes the joint and several liability of the members for the debts of the group.

Keywords: Civil partnership, Economic group with common interests, Joint and several liability, Legal personality.

Received: 2022/01/16 Received in revised form: 2022/08/26 Accepted: 2022/09/18 Published: 2023/03/27

DOI: 10.22034/LAW.2022.49926.3068

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



مطالعه تطبیقی آثار حقوقی تشکیل گروه اقتصادی در قالب شرکت مدنی در حقوق ایران و فرانسه

داود حجازی^۱ | جواد نیک‌نژاد^۲

hejaazi.davod@gmail.com
j.n406@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق، خصوصاً دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، ایران.
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، ایران.

چکیده

تحول و توسعه جهانی معلول پیشرفت‌های سریع و بی‌سابقه علوم و تکنولوژی و به‌ویژه ارتباطات بین‌المللی است. بدون تردید اجرای پروژه‌های مهم مربوط به توسعه و اقتصاد، به همکاری و تعامل اشخاص و تخصص‌های گوناگون و امنیت سرمایه‌گذاری نیاز دارد. مهم‌ترین شکل تأمین امنیت و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی یک کشور از طریق قانون‌گذاری ملی محقق می‌شود. قانون‌گذار ایران به تأسی از کشورهای پیشرفته، ابتدا در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه و در پی آن، ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، قالب حقوقی گروه اقتصادی با منافع مشترک را طی یک ماده و چند تبصره ذیل آن با قید الزام بر تشکیل این گروه‌ها در قالب شرکت مدنی به جامعه حقوقی و اقتصادی کشور معرفی کرده و حدود و ثغور تعهدات و اختیارات اعضای گروه را تبیین نموده است؛ با این حال در این قانون، مواردی از سوی قانون‌گذار مطرح شد که اساساً سنخیتی با مقررات شرکت مدنی ندارد و با وصف اینکه این قانون عملاً اقتباسی از قانون کشور فرانسه است، نص مصوب با مقررات کشور فرانسه اختلافات بنیادین دارد؛ از یک سو، تصریح قانون‌گذار بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی متبادرکننده احکام قانون مدنی تحت عنوان عقد شرکت است که منحصرأ ناظر بر نحوه اداره مال مشاع است که این مقررات برای تشکیل و اداره گروه اساساً کافی نیست، برخی نیز تناسبی با اهداف و کارکردهای گروه ندارد، مضافاً ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط مقرر در این ماده به‌طور کلی مسکوت است و مشخص نیست چه مسئولیت‌هایی بر اعضا و مدیران گروه قابل انتساب خواهد بود. در عین حال، بر تضامنی بودن مسئولیت اعضا بابت دیون گروه تأکید شده است؛ به‌علاوه، قالب الزامی شرکت مدنی هرچند واجد مزیت‌های اندکی برای اعضا خواهد بود، با این وصف، محدودیت‌های متعددی را بر گروه تحمیل کرده است و هدف غایی قانون‌گذار برای تسهیل و گسترش مشارکت‌های اقتصادی و تجاری در قالب گروه را ناکام خواهد گذاشت.

واژگان کلیدی: شخصیت حقوقی، شرکت مدنی، گروه اقتصادی با منافع مشترک، مسئولیت تضامنی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

DOI: 10.22034/LAW.2022.49926.3068

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

گروه اقتصادی با منافع مشترک به منظور پاسخگویی به نیازهای فعالان اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ وارد مقررات کشور فرانسه شد و قانون‌گذار فرانسوی برای این نهاد تازه‌تأسیس شخصیت حقوقی قائل گردید.^۱ سپس «این نهاد حقوقی در سایر کشورهای اروپایی بر اساس مدل فرانسوی ایجاد شد و توسعه یافت».^۲

امروزه تخصص و دانش فنی در اجرای طرح‌های مهم اقتصادی مستلزم همکاری و تعامل اشخاص با تخصص‌های گوناگون است، جامعه حقوقی نیز وظیفه دارد با تدارک ابزار قانونی و حقوق مناسب، چاره‌جویی متناسب با اوضاع اقتصادی را در دسترس فعالان عرصه تجارت و اقتصاد قرار دهد. در ایران در پی تصویب ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه، به دلیل ماهیت موقتی قوانین برنامه پنج‌ساله، مجدداً در سال ۱۳۹۵ به موجب ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور^۳ مدلول ماده ۱۰۷ یادشده، در خصوص نهاد «گروه اقتصادی با منافع مشترک» با تغییراتی بسیار اندک تکرار و به این وسیله حکم موقت قانون برنامه پنجم به قانونی دائمی تبدیل گردید. ماده ۲۴ چنین مقرر می‌دارد «تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری، برای یک دوره محدود و بر اساس قرارداد کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است».

با بررسی در سیر تطور قانون‌گذاری در حقوق ایران، چنین مستفاد می‌گردد که «شرکت مدنی» در حقوق ایران فاقد شخصیت حقوقی مستقل است و انعقاد قرارداد از سوی اعضا به شکل‌گیری شخصیت جدیدی منجر نمی‌شود؛ چراکه قانون مدنی در بیان احکام شرکت مدنی در مواد ۵۷۱ تا ۶۰۶ صرفاً احکامی را در خصوص اشاعه و نحوه اداره مال مشاع بیان

1. L'ordonnance n° 67- 821, v. [2. Magnier Véronique, Droit Des Sociétés, 10e, Dalloz, p. 493.](http://www.legifrance.fr/Guyon Y. et Coquereau G., Le Groupement D'intérêt Économique, Régime Juridique et Fiscale, 2e Dalloz, 1973, p. 17.</p>
</div>
<div data-bbox=)

۳. در متن مقاله از این پس به منظور رعایت اختصار و به قرینه تصریح قبلی و سبق ارجاع از عبارت «گروه» و «ماده ۲۴» استفاده می‌شود.

کرده است، لذا این سؤال اساسی قابل طرح است که «اگر از نظر مقنن ضوابط و شرایط شرکت مدنی برای اداره گروه اقتصادی کفایت می‌کرد چه نیاز و ضرورتی بر تشریح حکم مقرر در ماده ۲۴ وجود داشت؟» افزون بر این، با توجه به محرز بودن برخی تعارضات فی‌مابین مؤدای ماده ۲۴ و تبصره‌های آن با مقررات عقد شرکت قانون مدنی، اساساً ماهیت حقوقی گروه اقتصادی در حقوق ایران چیست؟ همچنین از دیدگاه قانون‌گذار، گروه تحت چه عنوان و به چه توجیهی در مرجع ثبت شرکت‌ها که ویژه شرکت‌های تجاری است به ثبت می‌رسد و آثار آن چیست؟ و چه وجوه تمایز و تشابهی فی‌مابین گروه اقتصادی در قالب شرکت مدنی با شرکت مدنی در حقوق فرانسه متصور است؟

با توجه به اینکه در لایحه پیشنهادی سال ۱۳۸۴ هیئت دولت تحت عنوان «لایحه اصلاحی قانون تجارت»، باب دهم این قانون در مواد ۱۰۱ تا ۱۲۱ مقررات نسبتاً کاملی به موضوع گروه اقتصادی اختصاص یافته بود، لکن کل باب دهم به دلایل نامعلوم از سوی مجلس حذف شد، لذا معلوم نیست با توجه به آثار شگرف چنین پس‌گردی، جهات و ادله توجیهی قانون‌گذار بر حذف متن پیشنهادی دولت و تخصیص صرفاً یک ماده ناقص و موجز به عنوان قانون گروه چیست؟

این نهاد پس از تشکیل در فرانسه «به لحاظ آثار شگرف آن به سرعت توسط تعداد زیادی از قانون‌گذاران دیگر کشورها الگوبرداری شد»^۴. با وجود این، مراجع تقنینی این کشورها با آگاهی از خلأها و نواقص قانون کشور فرانسه، در زمان تصویب قانون خود و حتی در موارد لزوم، مبادرت به رفع اشکالات در قوانین مصوب نمودند، با وجود این، قانون‌گذار ایران در مقررۀ مصوب با تأکید بر لزوم تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی و ذکر موارد دیگری به صورت موجز و ناقص، موجب پیچیدگی امر و حتی ایجاد تضاحم و تعارض در مقام اجرا گردیده است، بر این اساس هدف این تحقیق بررسی آثار مترتب بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی در حقوق ایران و مقایسه تطبیقی آن با شرکت مدنی در مقررات کشور فرانسه است.

4. Magnier Véronique, Droit Des Sociétés, 10e, Dalloz, p. 493.

۱. تعریف، مفهوم و مبانی گروه اقتصادی در قالب شرکت مدنی

۱.۱. تعریف و مفهوم گروه

اصطلاح گروه، معادل فرانسوی Economique Groupment de Interet است و منظور از آن «ایجاد تشکیلاتی برای استفاده مشترک شرکت‌های رقیب است که بسیار انعطاف‌پذیر بوده، همه نوع اشخاص حقیقی و حقوقی را دربر می‌گیرد» و علی‌رغم اینکه یکی از اصطلاحات پرکاربرد در حقوق تجارت بین‌الملل است، لکن در لسان قانون‌گذار و حتی در عرصه تجارت بین‌الملل، «علی‌رغم مطالعات وسیعی که در خصوص نهاد مشارکت و گروه اقتصادی انجام شده، تعریف جامع و مشخصی از آن در نظام‌های حقوقی (به دلیل اینکه اصطلاحی دقیق و حقوقی نیست) به عمل نیامده است»^۵.

در مقررات ایران تعریفی از عقد شرکت نیز وجود ندارد. «در فقه امامیه به صورت سنتی فقها برای شرکت مدنی شخصیت حقوقی قائل نیستند». قانون‌گذار ایران در ماده ۲۴ صرفاً مقرر داشته است «تشکیل گروه با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی برای یک دوره محدود بر اساس قرارداد کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی... مجاز است». فرهنگ‌نامه حقوقی گروه را به این شرح تعریف کرده است: «اجتماع اشخاصی که فعالیت تجاری را به نحو مشترک به‌عهده می‌گیرند و مستلزم اشتراک منافع در اجرای موضوع تعهد و یک حق تدبیر، اداره، کنترل و نظارت مرتبط با آن بوده و در منفعت و زیان سهیم باشند». البته در لایحه پیشنهادی قانون تجارت سال ۱۳۸۴ در ماده ۱۰۱، گروه اقتصادی این‌گونه تعریف شده است: «دو یا چند شخص به‌منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به‌موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می‌شود». ضمناً در لایحه اخیر هیچ‌گونه ذکر از قید تشکیل گروه در قالب «شرکت مدنی» نشده، گروه پس از ثبت واجد شخصیت حقوقی خواهد بود.

۵. ته‌مین‌ه رحمانی، راهنمای تنظیم کاربردی قرارداد جوینت ونچر غیر شرکتی، (تهران: انتشارات جنگل، چ ۱، ۱۳۹۱)، ص ۳۱.
 ۶. منصور صقری، «شرکت تجاری»، تحولات حقوق خصوصی، مقالات اهدایی به دکتر سید حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۱)، ص ۷۲.

در عین حال از «شرکت مدنی» نیز در قوانین موجود تعریفی وجود ندارد، لکن در نظر صاحب‌نظران حقوقی «عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه مقاصد دیگر حقوق خود را در میان می‌نهند تا به جای آن مالک سهم مشاع از این مجموعه شوند»^۷. در ماده ۲۴ به‌طور واضح مقرر گردیده است که «تشکیل گروه تنها در قالب شرکت مدنی و ضوابط آن و با رعایت موازین اسلامی و... مجاز می‌باشد». با این همه، در حال حاضر با توجه به دیگر مندرجات و قیود این ماده به‌ویژه «مسئولیت تضامنی اعضا در قبال کل دیون گروه و لزوم ثبت گروه در مرجع ثبت شرکتها و همچنین تکلیف بر داشتن دفاتر تجاری ویژه تجار و شمول نهاد بازرسی ویژه شرکت‌های سهامی»، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار در عمل نهاد حقوقی نوینی را شناسایی کرده که در واقع مشمول مصادیق عقود نامعین موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی و فاقد شکل ویژه‌ای از قبل تعیین شده است که با هیچ‌یک از مصادیق دیگر مشارکت‌های تجاری از جمله جوینت ونچر، کنسرسیوم، مشارکت انتفاعی و غیره در تمامی شقوق قابل انطباق نمی‌باشد. در واقع «ماده ۲۴ ضمن طراحی نظام مسئولیت تضامنی، برخی از آثار شرکت مدنی را به‌عنوان عقدی مبتنی بر اذن با تعدیلاتی مقرر کرده است»^۸.

۲.۱. مبانی تشکیل گروه اقتصادی

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم به دلیل ویرانی‌های سنگین ناشی از جنگ، مرزهای اقتصاد فرانسه می‌بایستی در راستای تحقق اصول اساسی جامعه اروپا بر روی کشورهای عضو اتحادیه گشوده می‌شد، لذا لازم بود تسهیلات قانونی خاصی پیش‌بینی شود و در غیر این صورت بنگاه‌های اقتصادی فرانسوی نمی‌توانستند متحمل عواقب و نتایج حاصله از شوک ناشی از برداشتن مرزهای کشور باشند، بر همین اساس دولت از پارلمان اجازه وضع پاره‌ای قوانین تفویضی را کسب کرد که امکان تصویب قوانینی برای مقابله با آثار سوء گشایش مرزهای فرانسه در اتحادیه اروپا را به دولت می‌داد؛ قانون ناظر بر تشکیل گروه اقتصادی مصوب سال ۱۹۶۷ یکی از این مصوبات است. از این رو، قانون گروه برای

۷. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، مشارکتها- صلح، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۴، ۱۳۷۶)، ص ۴۱.

۸. روح‌الامین حجتی کرمانی و محمدعلی بهمنی، «شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیات مشترک نفتی در ایران»، تحقیقات حقوقی، ش ۹۲ (۱۳۹۸)، ص ۲۹۲.

پاسخگویی به نیازهای فعالان اقتصادی کشور فرانسه در سطح داخلی و فرامرزی برای نخستین بار در این کشور تصویب شد و قانون‌گذار برای گروه شخصیت حقوقی قائل گردید.

در داخل اتحادیه اروپا نیز چون شرکت‌های داخلی کشورهای اروپایی فاقد توان بازسازی کامل ویرانی‌های وارده ناشی از جنگ بودند، لذا با همکاری شرکت‌های امریکایی مبادرت به این امر نمودند و اینکار از طریق مشارکت در تأسیس ماهیت جدیدی به نام گروه اقتصادی شکل گرفت و به این وسیله حساسیت کشورها نسبت به حاکمیت و استقلال سیاسی خود باعث شد تا از انجام پروژه‌های بزرگ صنعتی به صورت واگذاری کامل به شرکت‌های بزرگ خارجی که موجب کاسته شدن از حاکمیت سیاسی در درازمدت می‌شد ممانعت گردد. آنچه مسلم است «بدلیل آثار شگرف این قانون در نظام اقتصادی کشور فرانسه این نهاد عمدتاً در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی ژرمنی توسعه یافت»^۹.

در ایران در دهه‌های اخیر، لزوم پیش‌بینی چارچوب و قالبی برای سازماندهی فعالیت‌های اشتراکی بین بنگاه‌های اقتصادی در نظر قانون‌گذار امری ضروری تلقی شد؛ با وجود این، مبتنی بر مدلول ماده ۲۴ مصوب، حقوق‌دانان قید تشکیل گروه را لزوماً در قالب شرکت مدنی، مبین نبود شخصیت حقوقی مستقل گروه و سرانجام، شمول محدودیت‌های متعدد و سپس عدم کارایی آن می‌دانند؛ چراکه «شرکت مدنی بر مبنای مالکیت مشاع شرکاء تشکیل و جمع آنان اصلاتی ندارد و اموال شریکان همچنان متعلق خود آنان بوده و صرفاً سود و زیان ناشی از اداره مال مشاع به ایشان می‌رسد و تنها سخن از حقوق و تکالیف هر شریک در برابر سایر شرکاست»^{۱۰}.

در باب ماهیت حقوقی گروه نیز نمی‌توان به قدر متیقنی دست یافت؛ «چراکه تعریف شرکت مندرج در ماده ۵۷۱ قانون مدنی در واقع تعریف اشاعه است و در اشاعه هدف مشترکی دنبال نمی‌شود»^{۱۱} و «شرکت مدنی قلمرو وسیع‌تری از اشاعه و حتی عقد شرکت

۹. سعید حقانی، گروه منفعت اقتصادی، ماهیت و ساختار (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۱)، ص ۷۸.

۱۰. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۹.

۱۱. احمد صادقی گلدر، «عقد شرکت، مفهوم و قلمرو آن»، حق، مطالعات حقوقی و قضایی، ش ۹ (۱۳۶۶)، ص ۱۷۸ و شرکاءه نیکوند، «اشاعه و آثار آن در حقوق ایران و فرانسه»، دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۳ (۱۳۸۴)، ص ۷۸ و حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، (تهران: انتشارات دادگستر، چ ۱، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۷؛ احسان معدولیت، «ملاحظات در باب لزوم و کیفیت ثبت رسمی قراردادهای مشارکت در دفاتر اسناد رسمی و اثر آن بر ایجاد و توسعه امنیت اقتصادی و نظم حقوقی»، کانون سردفتران، ش ۱۲۸ (۱۳۹۰)، صص ۷۷ و ۷۸.

دارد، بدون آنکه از مصادیق اصطلاحی عقد شرکت باشد»^{۱۲}. در عین حال، عقد شرکت در خصوص چهره مبادله حقوق جدیدی به وجود می‌آورد که به اقتضای ماهیت خویش با اراده یکی از اطراف عقد از بین نمی‌رود (یعنی عقد لازم است)، ولی همان عقد در مورد چهره اعطای نیابت در تصرف عقدی جایز است، چراکه اذن در تصرف قابل رجوع است و با فوت و حجر یکی از شرکا عقد منحل شده، از بین می‌رود و به لحاظ جایز بودن آن، هریک از مالکان مشاعی هر زمان بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند.

وانگهی در قانون مدنی علاوه بر اینکه تشکیلات خاصی برای اداره مال مشاع پیش‌بینی نشده، در باب جنبه عقدی شرکت و ایجاد شرکت یا قرارداد شرکا نیز احکامی وجود ندارد؛ لذا تصریح قانون‌گذار در ماده ۲۴ بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی متبادرکننده احکام قانون مدنی در باب شرکت است که این مواد اساساً برای اداره گروه اقتصادی مکفی نیست و حتی برخی از این احکام هیچ مناسبتی با اهداف و کارکردهای گروه اقتصادی ندارد؛ در نتیجه، ناکارآمدی قانون مدنی برای اداره گروه محرز و مفروغ‌عنه است. متقابلاً در ماده ۲۴ و تبصره‌های آن بر مسئولیت تضامنی یکایک شرکا جهت پرداخت کل دیون گروه و یا لزوم ثبت گروه در مرجع ثبت شرکت‌ها از سوی قانون‌گذار تأکید شده که مناسبت بیشتری با مشارکت‌های شرکتی که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند داشته‌اند و همین امر این ماده را از هدف تسهیل و گسترش مشارکت‌های قراردادی دور کرده است. درحالی که برخلاف استنباط قانون‌گذار، وجود شخصیت حقوقی را نباید مانعی در زمینه توسعه مشارکت و تجارت قلمداد نمود؛ در نتیجه، ماهیت حقوقی و احکام گروه در وضع موجود به دلیل تراحم و حتی تباین احکام قانون مدنی با مؤدای ماده ۲۴ در حاله‌ای از ابهام و اجمال قرار دارد؛ از این رو، «ماده ۲۴ فاقد اثر تجویزی مد نظر قانونگذار بوده و صرفاً باید اثر آن را در امر ضابطه‌گذاری و تسهیل مورد بررسی قرار داد»^{۱۳}. البته «در عرصه بین‌المللی علاوه بر شروط مصرح در قراردادها حقوق عرفی از یکسو و نیز اسناد بین‌المللی موجود در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی دولتها را به رعایت حقوق مالکیت سرمایه‌گذار خارجی (در گروه) ملزم

۱۲. احمد صادقی گلدر، پیشین، ص ۱۸۹.

۱۳. حمیدرضا علومی یزدی، «چالشهای حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک»، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۴ (۱۳۹۲)، ص ۶۵.

می‌کند»^{۱۴}.

ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه در تعریف عقد شرکت چنین مقرر می‌دارد: «شرکت توسط دو یا چند شخصی که توافق می‌کنند تا اموال یا خدماتشان را به منظور تقسیم منافع حاصله یا بهره‌مندی از صرفه‌جویی در هزینه‌ها به یک فعالیت مشترک اختصاص دهند تشکیل می‌شود. شرکت ممکن است در مواردی که قانون پیش‌بینی می‌کند به موجب اراده یک شخص ایجاد شود. شرکاء متعهد می‌شوند در زیان‌های شرکت سهام شریک شوند» و حسب ماده ۱۸۳۳ این قانون «هر شرکتی باید موضوع مشروع داشته باشد و در جهت منفعت مشترک شرکا تشکیل شود»^{۱۵}. علاوه بر این، مبنی بر ماده ۳-۱۸۴۳ همین قانون «شرکا با آورده خود به‌طور واقعی قرارداد شرکت را تأیید می‌کنند و اراده خود را مبنی بر ملحق شدن به شرکت آشکار، و بدین وسیله قصد شریک شدن را تأیید و عملاً تحقق فعالیت مشترک یعنی موضوع شرکت را ممکن می‌سازند. این امر به‌وضوح بدین مفهوم است که این رکن، ارکان اختصاصی دیگر شرکت را به‌نوعی در خود مستحیل نموده و فی‌الواقع در نظر قانون‌گذار فرانسه اگر آورده و قصد تشکیل شرکت وجود نداشته باشد اساساً شرکتی وجود نخواهد داشت»^{۱۶}. «در این کشور عناصر اختصاصی قرارداد شرکت شامل شریک شدن در آورده و نیز قصد صرفه‌جویی و سود بردن و نهایتاً رضایت طرفین به ایجاد قرارداد شرکت است»^{۱۷}. علاوه بر این، «در حقوق فرانسه موضوع اشاعه از بحث شرکت تفکیک شده است. در فرهنگ اصطلاحات حقوقی فرانسه «اشاعه وضعیت حقوقی است که در آن اشخاص متعددی به صورت مشترک مالک مال یا اموالی هستند که تقسیم نشده است»^{۱۸}.

۱۴. لعیا جنیدی؛ محمدصادق تیموری؛ محمد صقری و رضا عباسیان، «صیانت از حق مالکیت خصوصی سرمایه‌گذاران خارجی از منظر حقوق اسلام، ایران و بین‌الملل»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۷ (۱۳۹۷)، ص ۲۸.

15. Toute Société Doit Avoir un Objet Licite et Être Constituée Dans L'intérêt Commun Des Associés. v. <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>.

16. Cozuian Maurice; Viandier, Alain; et Deboissy, Florence, *Droit Des Société*, p. 83.

17. Cozuian Maurice; Viandier, *Ibid*, p. 83.

18. Raymond Gillien Etjean Vincent Lexque de Remes Juridiques, Dalloz.zed.2012, p. 182.

۲. مجمع اعضا و مدیریت گروه اقتصادی در قالب شرکت مدنی

۲.۱. مجمع اعضا

مؤدای ماده ۲۴ و تبصره‌های ذیل آن دلالت دارد که «قانونگذار ایران نه تنها از مجمع اعضا بلکه از نحوه تصمیم‌گیریهای اعضا نیز صحبتی ننموده است»^{۱۹}. با وجود این، از آنجایی که در تبصره ۲ ماده ۲۴ چنین مقرر شده است که «عملیات مربوط به بازرسی گروه مطابق مواد ۱۵۱ و ۱۵۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ انجام می‌شود» و با توجه به اینکه ماده ۱۵۱ قانون پیش‌گفته مقرر داشته است که «بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت که از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین «مجمع عمومی» اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت، از وقوع جرمی مطلع شوند باید به اولین مجمع عمومی گزارش دهند»، و ماده ۱۵۲ نیز مشعر است بر اینکه «در صورتی که «مجمع عمومی» بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش... صورت‌داری و... را مورد تصویب قرار دهد این تصویب هیچ اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود».

در نتیجه، مبتنی بر مدلول حکم واضح دو ماده اخیر وجود و تشکیل مجمع اعضا در گروه اقتصادی نه تنها فاقد اشکال است بلکه منطبق با مقررات قانونی است و بدون تردید نهاد واجد صلاحیت عام در رابطه با تمامی امور گروه مجمع اعضا می‌باشد. بر همین اساس، لازم است حتی المقدور مصادیق مشمول صلاحیت مجمع اعضا در قرارداد گروه احصا و مشخص گردد. از سوی دیگر، ضروری است در قرارداد گروه به تشکیل جلسات مجمع در فواصل معینی تأکید و تعیین تکلیف گردد. اگر قرارداد گروه در این خصوص ساکت باشد، برای اتخاذ تصمیم در مجمع باید تمام اعضا حاضر بوده، همگی نظر موافق دهند؛ هرچند قرارداد گروه می‌تواند نصاب کمتری برای تشکیل جلسات پیش‌بینی نماید و حتی می‌تواند اکثریت لازم برای اتخاذ تصمیمات در مجمع را کاهش دهد. بر این اساس، مجمع اعضا در عمل بالاترین نهاد بالادستی ذی‌صلاح در گروه است و «اتخاذ تصمیم در امور مختلفی از

۱۹. سعید حقانی، پیشین، ص ۱۸۷.

قبیل تغییر در اساسنامه، تمدید مدت قرارداد، انحلال پیش از موعد، نحوه تقسیم سود، نحوه تعیین مدیران و نیز عزل آنها، موافقت با انتقال سهم‌الشرکه، جملگی در زمره اختیارات مجمع اعضا است»^{۲۰}. در عین حال قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۲۴ مقرر نموده است: «تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضای گروه متضامناً مسوول پرداخت کل دیون گروه می‌باشند». در «شرکت مدنی نیز علاوه بر اینکه هر شریک در مقابل شرکت و اشخاص ثالث در مورد نقض قوانین و اساسنامه یا تقصیر در مدیریت مسئولیت دارد، در صورتی که موارد مذکور توسط جمع شرکا اتفاق افتاده باشد مسئولیت آنها تضامنی است»^{۲۱}، زیرا «قواعدی که هدف آنها حمایت از حقوق اشخاص ثالث در برابر دو طرف عقد است جنبه امری و عملی دارد و پذیرفتن امکان تراضی برخلاف این قواعد به منزله حکومت عقد بر حقوق کسانی است که در انعقاد آن دخالتی نداشته‌اند»^{۲۲}. آنچه مسلم است در گروه اقتصادی نیز «نظریه مسوولیت تضامنی عرضی و طولی با هیچ مانع عقلی و تحلیلی مواجه نیست و بعنوان یک قاعده کلی مورد قبول است البته در روابط داخلی، اعضا حق مراجعه به مدیون اصلی را دارند»^{۲۳}.

در نظام حقوقی کشور فرانسه، ماده ۸ قانون ناظر بر گروه (مصوب ۱۹۶۷)، مجمع اعضای گروه را پیش‌بینی و در قانون تجارت نوین این کشور مصوب سال ۲۰۰۰ نیز بند ۱۰-۲۵۱ L بر لزوم تشکیل و صلاحیت مجمع شرکا تصریح کرده «حتی در ماده ۴-۲۵۲ L قانون اخیر، تشکیل نهاد جمعی و استیفای حقوق جمعی اعضا در قالب مجمع عمومی مورد تأکید قرار گرفته است»^{۲۴}. همچنین حسب پاراگراف سوم ماده ۱۰-۲۵۲ L این قانون، تعدادی از اعضای گروه در صورتی که یک چهارم کل اعضا را تشکیل دهند، می‌توانند درخواست تشکیل جلسه مجمع عمومی را بنمایند. ضمن اینکه «در قرارداد گروه نمی‌توان یکی از اعضا را از حق رأی محروم نمود، چراکه این امر مخالف قصد همکاری مشترک

۲۰. تهمینه رحمانی، پیشین، ص ۷۵.

۲۱. حسین خزاعی، حقوق تجارت بین‌الملل، مشارکت تجاری (تهران: انتشارات جنگل، ۱، ۱۳۹۲)، ص ۵۷.

۲۲. ناصر کانونیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۳، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۷.

۲۳. احمد دیلمی، «تأملی در قراینهای مختلف از مسئولیت تضامنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۳ (۱۳۹۰)، ص ۱۱۶.

24. Guyon Y. et Coquereau G., *Le groupement d'intérêt économique, régime juridique et fiscale*, 2e Dalloz, 1973, p. 116

اعضا می‌باشد»^{۲۵}.

۲.۲. مدیریت گروه اقتصادی

اصولاً در قرارداد گروه، نحوه تعیین مدیر یا مدیران و مدت آن و دیگر شرایط مدنظر از سوی (مجمع) اعضا مشخص می‌گردد. افزون بر این، اعضای گروه نسبت به تعیین مدیران گروه نیز مبادرت می‌نمایند. حال در فرضی که مدیر یا مدیران در قرارداد و یا مجمع اعضا تعیین نشده باشند تکلیف چیست؟ اصولاً «انتخاب مدیران از بین اعضای گروه متضمن منع خاصی نمی‌باشد، در عین حال ضرورتی ندارد که مدیر لزوماً از بین اعضا انتخاب شود. همچنین شرایط اداره گروه اعم از دوره زمانی مدیریت، انفرادی یا شورایی بودن مدیریت، تعداد مدیران و نحوه اتخاذ تصمیم آنها اصولاً در قرارداد اعضا تعیین تکلیف می‌گردد»^{۲۶}. مدیر ممکن است در برابر گروه بابت تخلفاتی که از تعهدات وی ناشی می‌گردد مسئول شناخته شود. ضمناً در خصوص اشخاص ثالث، هر عمل مدیر که در چارچوب موضوع قرارداد گروه باشد موجب متعهد شدن گروه می‌گردد و محدود کردن اختیارات مدیر یا مدیران در برابر اشخاص ثالث غیرقابل استناد است. هرچند در داخل گروه ممکن است نافذ تلقی گردد. ضمن اینکه «اصل اختیارات مدیر مبتنی بر پذیرش تئوری وکالت ظاهری است که بر اثر آن می‌توان تعهدات چنین مدیر یا مدیرانی را در صورتیکه در چارچوب موضوع گروه باشد به گروه منتسب نمود. در توجیه این محدودیت به اصل عدم اهلیت گروه و اینکه نماینده نیز اصولاً در موضوعاتی از نمایندگی برخوردار می‌باشد که منوب عنه خود بتواند آن را انجام دهد تمسک می‌گردد. بدیهی است اصل بر این است که وجود حسن نیت طرف قراردادی مفروض بوده و بار اثبات خلاف آن با گروه است»^{۲۷}.

در شرکت مدنی نیز «در صورت عدم تعیین مدیر تمامی شرکا به نحو برابر در مدیریت شرکت مشارکت دارند»^{۲۸} و وظایف و اختیارات بین اشخاص حقیقی و حقوقی بدون اینکه کاملاً از آنها سلب مسئولیت گردد تقسیم می‌شود. با وجود این «در صورت بطلان شرکت

۲۵. سعید حقانی، پیشین، ص ۱۹۷؛ محمود کاشانی، حقوق منعی، قراردادهای ویژه (تهران: انتشارات میزان، ج ۲، ۱۳۹۴)، ص ۱۳۱.

۲۶. سعید حقانی، پیشین، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۲۷. همان، ص ۲۰۴.

۲۸. حسین خزاغی، پیشین، ص ۸۳؛ محمود کاشانی، پیشین، ص ۱۱۰.

معاملات انجام شده توسط مدیر قابل انتساب به هیچیک از شرکا نمی‌باشد مگر اینکه مدیر معامله‌کننده خود شریک گروه باشد که در این صورت معامله تنها برای او محسوب و سایر شرکا مسئولیتی نخواهند داشت»^{۲۹}. البته تجاوز از حدود إذن نیز عمل حقوقی مدیر را تابع احکام فصولی می‌کند و او را در برابر طرف قرارداد وفق ماده ۵۸۵ قانون مدنی مسئول می‌سازد. در شرکت مدنی «در صورتی که چند شریک به‌طور اطلاق و بدون هیچ قیدی مأذون در اداره باشند اصل بر این است که آنان باید به اجتماع اقدام کنند زیرا اختیار جمعی آنها مسلم و نیابت انفرادی هریک مورد تردید است که باید به قدر متیقن اکتفاء شود»^{۳۰}.

ممکن است «اعضا توافق کنند که یک کمیته مدیریت ایجاد کنند که در آن هریک از اعضای گروه نماینده‌ای دارد که به اتفاق در این کمیته اتخاذ تصمیم می‌گردد»^{۳۱}. مدیر الزامی ندارد که به‌عنوان نماینده گروه، نام و خصوصیات اصیل را در معاملات خود افشا کند. البته «در نظام حقوقی ایران حتی اگر در قرارداد به نمایندگی مدیر تصریح نشده باشد، مدیر نماینده ضمنی و یا مفروض گروه محسوب می‌گردد، مشروط بر اینکه در محدوده موضوع فعالیت گروه اقدام نموده باشد»^{۳۲}.

علاوه بر این، «مقصود مقنن از حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۲۴ مبنی بر مسئولیت تضامنی اعضا و مدیران نسبت به کل دیون گروه، استمرار مسئولیت مدیران و تضامنی بودن مسئولیت اعضای گروه در قبال اشخاص ثالث بوده است و ظاهراً مقنن با مصلحتی قابل درک (حفظ حقوق اشخاص ثالث طرف قرارداد) به بقای مسئولیت تضامنی شرکا حکم داده است»^{۳۳}. اما از آنجایی که در مشارکت‌های قراردادی اصولاً تعیین حدود اختیارات مدیران در قرارداد گروه از سوی شرکا صورت می‌گیرد، لذا حکم تبصره یک تناسبی با ماهیت این‌گونه قراردادها ندارد؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که قانون‌گذار به تاریخ مؤخر عملاً حکم مواد ۵۸۰، ۵۸۱ و ۵۸۲ قانون مدنی را در خصوص گروه، حداقل در راستای صیانت از

۲۹. تهمینه رحمانی، پیشین، ص ۳۱.

۳۰. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی مشارکتها- صلح، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۴، ۱۳۷۶)، صص ۴۱ و ۴۳.

۳۱. رضا آریان کیا و احسان معدولیت، نظام حقوقی قراردادهای مشارکت از در عرصه صنعت و تجارت داخلی و بین‌المللی، (تهران:

نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۹۹.

۳۲. تهمینه رحمانی، پیشین، ص ۷۵.

۳۳. حمیدرضا علومی یزدی، پیشین، ص ۷۹.

حقوق اشخاص ثالث، عالماً و عامداً تخصیص زده و با هدف ممانعت از سوءاستفاده احتمالی اعضای گروه و یا مدیران، از مندرجات قانون مدنی حکمی آمره وضع و به‌طور واضح مسئولیت شرکا را در قبال دیون گروه تضامنی دانسته است. ضمن اینکه «مسئولیت تضامنی اعضا در برابر اشخاص ثالث را نمی‌توان به‌وسیله‌ی درج شرط مخالف در قرارداد گروه از میان برداشت حتی اگر شرط منتشر و به اطلاع اشخاص ثالث رسیده باشد»^{۳۴}.

در حقوق فرانسه، طبق ماده ۱۸۴۹ قانون مدنی اعمال مدیر شرکت که در محدوده موضوع شرکت قرار گیرد شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می‌نماید و هرگونه شرط محدودکننده این مسئولیت در اساسنامه نسبت به ثالث بی‌اثر و غیرقابل استناد است^{۳۵}.

افزون بر این، به‌موجب مفاد ماده ۱۸۵۲ قانون مدنی این کشور، مجمع عمومی شرکت مدنی در زمینه تصمیمات جمعی صلاحیت تام دارد و حتی مجاز است تصمیماتی فراتر از اختیارات مدیران اتخاذ نماید و «هرچند قاعده اجماع شرکا برای اتخاذ تصمیم به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده، لکن این وظیفه شرکا است که یک یا چند مدیر تعیین کنند؛ ضمن اینکه اعضا برای سازماندهی مدیریت آزادی گسترده‌ای دارند و حسب بند یک ماده ۱۸۴۶ می‌توانند یک یا چند مدیر تعیین کنند. تمامی شرکا نیز می‌توانند مدیر باشند و یا اینکه مدیران را از بین اشخاص ثالث انتخاب نمایند»^{۳۶}. وفق ماده ۱۸۴۷ قانون مدنی پیش‌گفته «اگر شرکت مدیر نداشته باشد، هر شریک می‌تواند از دادگاه بخواهد شخصی را با مأموریت دعوت شرکا جهت تعیین مدیر منصوب کند و همه اختیاراتی را که برای مدیریت و در راستای منفعت شرکت لازم است باید از مصادیق اختیارات مدیر دانست؛ با وجود این، مدیر یا مدیران مکلفاند مصلحت شرکا را رعایت نمایند»^{۳۷}.

۳۴. سعید حقانی، پیشین، ص ۱۷۲.

۳۵. "Dans les Rapports Avec Les Tiers, le Gérant Engage la Société Par Les Actes Entrant Dans L'objet Social. En Cas de Pluralité de Gérants, Ceux-Ci Détiennent Séparément Les Pouvoirs Prévus à L'alinéa Précédent. L'opposition Formée Par un Gérant Aux Actes D'un Autre Gérant Est Sans Effet à L'égard Des Tiers, à Moins Qu'il ne Soit Établi Qu'ils en Ont eu Connaissance. Les Clauses Statutaires Limitant Les. Pouvoirs Des Gérants Sont Inopposables Aux Tiers". Disponible Sur <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>

۳۶. Cozuian Maurice, Viandier Alain, *Ibid*, p. 629.

۳۷. LeFebvre, *Ibid*, p. 27.

۳. ویژگی‌های نهاد گروه اقتصادی مبتنی بر شرکت مدنی

۳.۱. ثبت قرارداد تشکیل گروه در مرجع ثبت شرکتها

قانون‌گذار در متن ماده ۲۴ مقرر نموده است: قرارداد گروه می‌بایستی در مرجع ثبت شرکتها ثبت گردد، لکن معلوم نیست در نظر مقنن گروه تحت چه عنوان و با چه توجیهی در مرجع ثبت شرکتها (که مختص شرکت‌های تجاری است) و با چه اهدافی به ثبت می‌رسد؟ چراکه این الزام مقنن اساساً اماره تجاری بودن گروه را به همراه ندارد. وانگهی قبل از لازم‌الاجرا شدن ماده ۲۴ نیز بند ۲ ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد مقرر می‌داشت: «در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است: ... ۲) صلح‌نامه؛ هبه‌نامه و شرکت‌نامه».

اداره حقوقی وزارت دادگستری نیز در سال ۱۳۵۲، ثبت شرکت‌نامه‌های تجاری را در مرجع ثبت شرکتها و ثبت شرکت‌نامه‌های «مدنی» را در دفاتر اسناد رسمی الزامی دانسته است.^{۳۸} هیئت عمومی اصراری دیوان عالی کشور هم به موجب رأی اصراری شماره ۴۶۵۴ مورخ ۲۳ آذر ۱۳۳۸ چنین مقرر داشته است: «التفات به ماده ۴۷ قانون ثبت و عنایت به عموم و اطلاق قسمت اخیر آن دلالت بر اجباری بودن ثبت هرگونه شرکت‌نامه دارد و با توجه به ماده ۴۸ قانون مزبور که این قبیل اوراق در صورتی که به ثبت نرسیده باشد در هیچیک از ادارات و نهادها پذیرفته نخواهد شد، بر حکم دادگاه از حیث تطبیق با قانون ایرادی متوجه نیست»^{۳۹}. در نتیجه، محرز است که قبل از تصویب ماده ۲۴ نیز ثبت «شرکت‌نامه مدنی» الزامی بوده است پس اصولاً ضرورتی بر ثبت گروه فاقد شخصیت در مرجع ثبت شرکتها متصور نیست.

از منظر دیگر، «تکلیف بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی با الزام دیگر همان ماده یعنی ثبت گروه در مرجع ثبت شرکتها در تقابل است»^{۴۰}؛ چراکه مقررات مربوط به ثبت شرکتها منحصرأ ناظر بر ایجاد واحد جدید تحت عنوان ثبت شرکت‌های تجاری بوده، در

۳۸. غلامرضا شهری، حقوق ثبت اسناد و املاک، (تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۳، ۱۳۷۳)، ص ۲۱۹.

۳۹. سید مرتضی قاسم‌زاده و همکاران، تفسیر قانون مدنی، (تهران: انتشارات سمت، چ ۹، ۱۳۹۸)، ص ۲۰۸.

۴۰. حمیدرضا علومی یزدی، پیشین، ص ۷۹.

خصوص سایر موارد اصولاً صلاحیتی ندارد. با وجود این در باب ضمانت اجرای عدم ثبت گروه برخی معتقدند «گروه در صورت عدم ثبت در هیچ‌یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد و توسط اشخاص ثالث نیز شناسایی نشده و مدیر گروه در برابر ثالث اصیل تلقی و خود مسئول اجرای تعهدات قرار می‌گیرد»^{۴۱}.

در رد استنتاج اخیر راجع به ضمانت اجرای عدم ثبت گروه، طی استنباطی مدلل و متقن چنین اعلام نظر شده است که «بسیار دشوار می‌توان گفت ثبت گروه در اداره ثبت شرکتها موجب جواز است و مشارکتی که به ثبت نرسد مجاز نیست، زیرا این ادعا با اصول صحت و رضایی بودن عقد شرکت مغایر است. شناسایی محرومیت از مزایای گروه اقتصادی نیز به عنوان ضمانت اجرای عدم ثبت معقول نیست، زیرا نه تنها ماده ۲۴ مزیت قابل اعتنایی برای گروه قائل نشده، بلکه به صراحت مسئولیت اعضای آن را تضامنی معرفی نموده است پس اگر به تبع تخلف قانونی عدم ثبت، احکام و آثار گروه بر مشارکت بار نشود و شرکا طبق عموماًت مسئولیت نسبی داشته باشند این امر نه تنها محرومیت و از جنس ضمانت اجرا نیست، بلکه نوعی مزیت و از جنس تشویق است، بنابراین منطقی‌اً پایبندی یا عدم التزام به شرط ثبت تأثیری در ماهیت روابط قراردادی ندارد و مشارکت ایجادشده با لحاظ دیگر شروط همچنان گروه اقتصادی محسوب می‌گردد»^{۴۲}. سرانجام از نگاه برخی نویسندگان، «الزام به ثبت گروه می‌تواند سبب شفافیت در فضای کسب و کار کشور و همچنین سبب افزایش نظارت دولت بر اینگونه نهادهای اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمد مالیاتی دولت از این گروهها خواهد شد»^{۴۳}.

در حقوق فرانسه «برای اختصاص شخصیت حقوقی به شرکت‌های مدنی وفق ماده ۴-۲۵۱ قانون تجارت، ثبت شرکت در مرجع ثبت تجاری و شرکت‌ها الزامی است»^{۴۴}. با وجود این، قراردادی که برای شرکت تجاری در حقوق فرانسه لازم است تدوین گردد برای

۴۱. محمد عیسایی تفرشی و حمید کبیری شاه‌آباد، «تحلیل حقوقی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه، شرایط تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک»، حقوق تطبیقی، ش ۲ (۱۳۹۳)، ص ۱۶۹.

۴۲. روح‌الامین حجتی کرمانی و محمدعلی بهمنی، پیشین، ص ۲۹۳.

۴۳. قاسم‌علی رستم‌زاده، «بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه: گروه اقتصادی با منافع مشترک»، ماهنامه قضاوت، ش ۷۴ (۱۳۹۰)، ص ۴۱.

44. Le registre du Commerce et des Sociétés.

شرکت مدنی لازم نیست، چراکه مطابق مقررات مواد ۱۸۳۲ به بعد قانون مدنی این کشور، شرکت یک قرارداد است و برخورداری از شخصیت حقوقی منوط به ثبت شرکت در یک مرجع خاصی است. بنابراین «در حقوق فرانسه شرکت مدنی ثبت شده از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی است و این قاعده نه تنها موجب حمایت از اشخاص ثالث است، بلکه تاریخ قابل اطمینانی برای ایجاد شخصیت حقوقی شرکت مدنی به حساب می آید. ضمناً قبل از اصلاحات قانون مدنی در سال ۱۹۷۸، شرکت مدنی ویژگی پنهانی داشت که با قانون اخیر اصلاح گردید»^{۴۵}.

۳.۲. آثار عدم برخورداری گروه از شخصیت حقوقی

حسب منطوق ماده ۲۴ تشکیل گروه منحصراً در قالب شرکت مدنی با ضوابط و شرایط آن مجاز است؛ بنابراین «هریک از شرکای گروه نسبت به قسمت معینی از اجزاء مال مورد مشارکت مالکیت دارد و ملک هریک از دیگری جدا است»^{۴۶}. لکن مهم ترین نتیجه این الزام عدم شناسایی شخصیت حقوقی مستقل گروه از سوی قانون گذار است

در توجیه عدم لزوم شخصیت حقوقی مستقل گروه، به باور برخی «وجود شخصیت حقوقی می تواند همچون حائلی دسترسی به شرکاء را دشوار و مراجعه مستقیم به ایشان را به انحلال شرکت متوقف کند»^{۴۷} که قطع نظر از صحت و سقم چنین برداشتی، این امر در مقایسه با کاستی های متعدد شرکت مدنی قابلیت اعتنا ندارد، زیرا عدم برخورداری از شخصیت متضمن این نتیجه است که «گروه نمی تواند نام، اقامتگاه، تابعیت و دارایی مستقل از شرکا داشته باشد»^{۴۸}؛ درحالی که دارا بودن شخصیت حقوقی متضمن برخورداری از حق ذمه و مالکیت است و «داشتن دارایی نیز یکی از مختصات شخص است و تنها شخص

45. Lefebvre, F. *Mémento Pratique. Sociétés Civiles*; Paris 2012, p. 42.

۴۶. مهدی شهیدی، مجموعه مقالات حقوقی، (تهران: نشر حقوقدان، چ ۱، ۱۳۷۵)، ص ۸۷.

۴۷. روح الامین حجتی کرمانی و محمدعلی بهمنی، پیشین، ص ۲۷۴.

۴۸. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۹؛ حسن ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۵۹؛ محمد عیسایی تفرشی و حمید کبیری شاه آباد، پیشین، ص ۱؛ سعید حقانی، «گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه»، پژوهش های حقوقی، ش ۱۸ (۱۳۸۹)، ص ۳۰۷؛ مجید رهایی و همکاران، «تبعات منفی فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی»، تحقیقات حقوقی، ش ۹۴ (۱۳۹۷)، ص ۴۱۱؛ حسین خزاعی، پیشین، صص ۶۹ و ۷۰.

می‌تواند دارایی داشته باشد، زیرا فقط اوست که می‌تواند قابلیت دارا شدن حق و تکلیف را داشته باشد»^{۴۹}.

از دیگر آثار شگرف عدم شخصیت مستقل گروه باید به «امکان تداخل در حقوق و تکالیف دیگر اعضا، امکان عقب‌نشینی برخی از شرکا از ادامه همکاری، اجمال در تعهدات اعضا نسبت به یکدیگر و اشخاص ثالث نام برد»^{۵۰}. همچنین در فرض مدیونیت گروه و یا اینکه گروه از سوی اشخاص ثالث طرف دعوی قرار گیرد، «ضروری است تمامی اعضای گروه از سوی خواهان مورد شناسایی قرار گرفته، جملگی طرف دعوی واقع گردند؛ درحالی که شناسایی هویت و خاصه اقامتگاه تمامی اعضای گروه از سوی اشخاص ثالث به‌سادگی امکان‌پذیر نیست»^{۵۱}. علاوه بر این، «ممکن است برخی از شرکا مال غیر منقولی را که به نام خود به ثبت رسیده به عنوان «آورده» موضوع شرکت مدنی قرار دهند، در اینصورت انتقال ملک به شرکت مدنی امکان‌پذیر نیست»^{۵۲}. از منظر دیگر، صرف ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها و اعلام نشانی مشخص دلالت بر این ندارد که امکان طرح دعوی مستقیماً علیه گروه وجود دارد، قدر متیقن امکان طرح دعوی له و علیه گروه از صراحت قانونی برخوردار نیست، مضافاً اینکه «مطالبات شرکت مدنی مشمول قواعد طلب مشترک و دارای ماهیت حقوقی مال مشاع است»^{۵۳} و هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون ملحق شدن به دیگر شرکا علیه بدهکار گروه اقامه دعوی کند، خواه تنها در حد سهم خود و یا آنکه به نفع دیگر شرکا و بدین وسیله طلب‌های مشترک را مطالبه کند. «از نقطه نظر خواننده دعوی نیز چون دفاع قابل تجزیه نیست نمی‌توان در مورد یک طلب مشترک، دو بار دادرسی با دلایل و مدارک مختلف را پذیرفت و امکان صدور احکام معارض نیز وجود خواهد داشت»^{۵۴}.

همچنین در شرکت مدنی (گروه)، وظایف بین اشخاص حقیقی و یا حقوقی بدون اینکه

۴۹. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۴۸)، ص ۱۱۱.

۵۰. تهمینه رحمانی، پیشین، صص ۹ و ۲۰.

۵۱. مجید رهایی و همکاران، پیشین، ص ۴۱۳.

۵۲. محمود کاشانی، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، (تهران: انتشارات میزان، چ ۲، ۱۳۹۴)، ص ۸۳.

۵۳. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۹.

۵۴. محمود کاشانی، پیشین، ص ۱۲۱.

کاملاً از آنها سلب مسئولیت گردد، تقسیم می‌شود. این تقسیم وظایف هرچند مزایایی دارد، لیکن «باعث تفرق در کارها و ایجاد هزینه‌های جداگانه برای حسابداری و حسابرسی شده و امکان تقلب در هزینه‌ها را نیز افزایش می‌دهد»^{۵۵}. علاوه بر آن، اعضای مشارکت تمایل دارند منفرداً و مشترکاً کنترل خود را حتی پس از انعقاد قرارداد پایه در همه امور حفظ کنند که این امر می‌تواند موجب اختلال در امور گروه گردد. با وجود این، «در مواردی که شرکاء به یکدیگر اجازه مدیریت متقابل داده‌اند همه اعمال و اقدامات شرکاء حتی در مورد سهم شرکای دیگر بدون رضایت آنها معتبر است»^{۵۶}. در خصوص نحوه وصول مطالبات مشترک، اکتفا به قدر متیقن مقتضی ضرورت مطالبه جمعی است. با وجود این، هریک از شرکا (گروه) می‌تواند نسبت به سهم خود ذمه بدهکار را ابراء کند و یا بدون رضایت دیگر شرکا سهم خود را به مدیون ببخشد^{۵۷}. «با این حال آنچه از دین موجد و حال وصول می‌شود بنا بر قاعده متعلق به همگی شرکا است»^{۵۸} و ابراء دین یکی از مدیونین اصولاً فقط در حق او باید مؤثر باشد، ولی «اگر معلوم شود که مقصود اسقاط دین به‌طور مطلق بوده است ذمه همه بدهکاران بری می‌شود»^{۵۹}.

در کشور فرانسه «از آنجایی که شرکت‌های مدنی واجد شخصیت حقوقی هستند آورده در اختیار مدیر یا مدیران و یا شرکا قرار می‌گیرد تا در جهت منافع شرکت استفاده شود و در هر حال شرکا در آن سهیم‌اند»^{۶۰} و دارایی شرکت مستقل از شرکا و متعلق به شرکت بوده، شرکا فقط مالک سهم‌الشرکه به نسبت قدرالسهم خود هستند. همچنین رویه قضایی فرانسه مسئولیت مدنی شخص حقوقی را به رسمیت شناخته است و قانون‌گذار نیز از سال ۱۹۹۴ اصل مسئولیت کیفری شرکت‌های مدنی را تحت شرایط قانونی پیش‌بینی نموده است؛ در

۵۵. تهمینه رحمانی، پیشین، صص ۱۹ و ۲۰.

۵۶. حسین خزاعی، پیشین، ص ۶۵.

۵۷. عباس میرشکاری و محسن ایزانلو، «تقد مفهوم و آثار طلب مال مشاع»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

ش ۲ (۱۳۸۸)، ص ۹۹؛ رضا آریان کیا و احسان معدولیت، پیشین، ص ۹۸.

۵۸. عباس میرشکاری و محسن ایزانلو، پیشین، ص ۱۲۰.

۵۹. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دوره حقوق منعی حقوق تعهدات، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۷۲)، صص ۲۶۲

و ۲۶۳.

60. Le Cannu Paul et Dondero Bruno, *Droit des Sociétés*, 4e, Paris, pp. 135 et 136; Cozian Maurice et Mingat Alain, "L'imposition Des Bénéfices de", p. 157.

عین حال، صلاحیت شرکت به موجب قانون به موضوع شرکت محدود می‌شود و مالکیت‌های فردی در شرکت مدنی با ورود در مالکیت مشترک اصالت خود را ازدست می‌دهد و وجود انتزاعی می‌یابد و علی‌رغم برخورداری شرکت مدنی از شخصیت حقوقی، تکلیف شریک به پرداخت دیون شرکت نسبت به اشخاص ثالث نامحدود است و علاوه بر اینکه سهام وی در شرکت را شامل می‌شود، دارایی شخصی وی نیز در گرو پرداخت این دیون است. البته «طبق بند یک ماده ۱۸۵۷ قانون مدنی فرانسه، شریک به نسبت سهم خود در سرمایه شرکت در زمان قابل مطالبه شدن طلب یا در زمان توقف پرداخت پاسخگوست و حتی پس از واگذاری سهم شرکت خود نیز نسبت به دیون زمان عضویت در شرکت ملتزم است. طلبکار شرکت مدنی نیز باید مطالبات خود را بین شرکای آن تقسیم و از هریک از آنها فقط بخشی از دین را درخواست کند»^{۶۱}. آنچه مسلم است «از جمله امتیازات شخصیت حقوقی (شرکت مدنی) قابلیت دوام آن است، زیرا نهاد فاقد شخصیت به شدت وابسته به شخص مالکان آن و بسیار شکننده است»^{۶۲}.

۳.۳. مقید بودن قرارداد گروه به مدت محدود

قانون گذار در ماده ۲۴ بر تشکیل گروه لزوماً برای یک «دوره محدود» تأکید کرده است. متقابلاً حسب ماده ۵۸۶ قانون مدنی «اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده باشد هریک از شرکا هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند»، و وفق ماده ۵۸۳ «هریک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکای دیگر، سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل کند». علاوه بر این، به تصریح ماده ۵۸۹ همین قانون «هر شریک المال هر وقت بخواهد می‌تواند تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید مگر شرکا به وجه ملزومی، ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند». در نتیجه، از آنجایی که قرارداد گروه تحت عنوان شرکت مدنی به ثبت می‌رسد، این گونه متبادر می‌گردد که قرارداد گروه قهراً مشمول مدلول مواد یادشده در قانون مدنی محسوب می‌شود و هریک از شرکا با تمسک به آن می‌تواند هر زمان از إذن خود رجوع و یا سهم شرکت خود را به ثالث منتقل و یا تقسیم مال مشترک را تقاضا کند که

61. Cozian Maurice et Mingat Alain, "L'imposition Des Bénéfices De" Lexis 2012, pp. 632 & 633.

62. Deboissy Florence et Wicker Guillaume, "La Distinction de L'indivision et de la Société et Ses Enjeux Fiscaux", RTD civ., 2016, p. 11.

این امر هیچ‌گونه تناسبی با اهداف قانون‌گذار از تشکیل گروه اقتصادی ندارد. از منظر دیگر، قید لزوم محدود بودن مدت قرارداد در ماده ۲۴، مفید این معنی است که مقنن تشکیل گروه را به مدت نامحدود به دلایل مدنظر خود مجاز ندانسته است. لکن در عین حال، شرکا ملتزم و متعهد بر بقای قرارداد گروه تا زمان خاتمه مدت آن هستند که مراتب مبین تراحم و حتی تعارض دو قانون است.

ممکن است از حاصل جمع قید مدت محدود مندرج در ماده ۲۴ و مؤدای مواد ۵۸۳، ۵۸۶ و ۵۸۹ قانون مدنی این‌گونه قائل شویم که هرگاه تعیین مدت به‌گونه‌ای باشد که نشان دهد مراد و منظور اعضا التزام برای مدتی معین بوده است در این صورت، اختیار تقسیم و نیز رجوع از اذن تا پایان مدت مقرر در قرارداد را از خود سلب نموده‌اند، با این همه «این تلقی با اطلاق حکم مقرر در مواد اخیرالذکر قانون مدنی مغایر است»^{۶۳}.

علاوه بر این، قانون‌گذار در ماده ۲۴ از ضمانت اجرای عدم رعایت لزوم «محدود بودن مدت قرارداد گروه» از سوی شرکا یادی نکرده است، «مع‌الوصف این ضمانت اجرا می‌تواند ابطال قرارداد گروه، حمل آن بر مدت متیقن و یا تبدیل گروه به شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل باشد»^{۶۴}. با این حال، اصل حق خروج و حق تقسیم اموال گروه با نظم عمومی مرتبط است و قابلیت سلب ندارد، مشروط بر اینکه شرایط تعیین‌شده در قرارداد رعایت و «عضوی که قصد خروج دارد تعهدات خود را نسبت به گروه و سایر اعضا و اشخاص ثالث انجام داده باشد»^{۶۵}. «معهداً اگر در بین شرکا محجور یا صغیر و یا غایبی باشد امر تقسیم لزوماً باید در دادگاه انجام شود»^{۶۶}.

در حقوق فرانسه «مطابق ماده ۱۸۶۹ قانون مدنی، خروج از شرکت مدنی و برداشت تمام یا قسمتی از سرمایه از سوی شریک بر اساس شرایط مقرر در اساسنامه و در صورت سکوت، بر اساس موافقت تمام شرکا ممکن خواهد بود. همچنین این خروج می‌تواند در

۶۳ محمد عیسایی تفرشی و حمید کبیری شاه‌آباد، پیشین، ص ۱۶۸.

۶۴ حمیدرضا علومی یزدی، پیشین، ص ۷۹.

۶۵ سعید حقانی، پیشین، ص ۱۸۳؛ رضا آریان کیا و احسان معدولیت، پیشین، ص ۱۳۶.

۶۶ محمود کاشانی، پیشین، ص ۱۳۸.

صورت وجود دلایل موجه با تصمیم قضایی صورت گیرد»^{۶۷} و نیز شرکای شرکت اختیار اصلاح اساسنامه و تغییر شرایط خروج را دارا هستند، اما نمی‌توانند این حق آمره را حذف کنند؛ لذا «شریک می‌تواند آزادانه سهمش را بگیرد و از شرکت خارج شود. این حق به کارکرد شرکت مدنی پویایی می‌دهد. بنابراین باید این حق را به نفع شریک متقاضی خروج پذیرفت. اگر شریک شرکت مدنی انگیزه فعالیت گروهی را از دست بدهد امورات شرکت با اختلال مواجه می‌شود در نتیجه با مجوز شرکای دیگر می‌تواند از شرکت کناره‌گیری کند»^{۶۸}. همچنین «در کشور فرانسه شرکت‌ها مدت دارند و این مدت طبق منطوق ماده ۱۸۳۸ قانون مدنی از ۹۹ سال بیشتر نیست»^{۶۹}. البته «می‌توان این مدت را برای یک یا چند بار تمدید کرد»^{۷۰}.

۴.۳. وجوه ممیزه و نقاط قوت تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی

هرچند ماده ۲۴ به‌عنوان یگانه نص مصوب قانون‌گذار در خصوص تمامی مراحل مختلف تشکیل، فعالیت و انحلال گروه، دارای ابهامات و نواقص متعددی است، لکن با تصویب این ماده با کیفیت موجود، مقنن با قید درج الزام به تشکیل گروه به صورت شرکت مدنی به زعم خود تلاش کرده است با احاله امور به شرکا و آزادی‌های تفویضی، تشکیل مشارکت‌های داخلی و بین‌المللی را در کشور تسهیل و تسریع نماید؛ بنابراین، آزادی قراردادی و انعطاف‌پذیری قرارداد گروه از مهم‌ترین وجوه ممیزه نص موجود محسوب می‌شود. افزون بر این، برای وصول مطالبات اشخاص ثالث از اعضا، نیازی به انحلال گروه نیست. «در داخل گروه نسبت حقوق هریک از اعضا بسته به قرارداد ایشان است، هرچند

67. Cette article Dispose Que “Sans Préjudice Des Droits Des Tiers, un Associé Peut se Retirer Totalement ou Partiellement de la Société, Dans Les Conditions Prévuees Par Les Statuts ou, à Défaut, Après Autorisation Donnée Par Une Décision Unanime Des Autres Associés. Ce Retrait Peut Également Être Autorisé Pour Justes Motifs Par Une Décision De Justice”. v. <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>.

68. Catala Pierre, “L’indivision”, De Frénois, 2007, art. 31874, pp. 3. 8. Cozian Maurice et Mingat, Alain, “L’imposition Des Bénéfices de L’entreprise Indivise”, JCP E 2012, p. 639.

69. Selon Cette Article : “La Durée de la Société ne Peut Excéder Quatre-Vingt-Dix-Neuf Ans”. Disponible Sur <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>.

70. Le Cannu Paul et Dondero Bruno, *Ibid*, p. 172.

حق محرومیت از کل نتایج با قصد همکاری مخالف است و مجاز نمی‌باشد»^{۷۱}.

ویژگی دیگر مشارکت فاقد شخصیت گروه، موضوع مالیات است؛ چراکه صرفاً نفع و زیان و درآمدهای شرکا- و نه مشارکت- مبنای پرداخت مالیات قرار می‌گیرد و در حال حاضر اعضا شخصاً به پرداخت مالیات مبادرت می‌نمایند و گروه مؤدی مالیاتی محسوب نمی‌شود. برخورداری از چارچوب قابل انطباق با خواسته‌های اعضا و عدم لزوم تشریفات اداری جهت تشکیل یا اختتام، نبود هزینه‌های تشکیلاتی، اداری و بیمه، از دیگر ممیزات گروه فاقد شخصیت است.

در نظام حقوقی فرانسه، «هرچند ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی تقسیم منافع را در شرکت مدنی به نسبت آورده پیش‌بینی کرده است، ولی این قاعده مربوط به نظم عمومی و امره نیست و اساسنامه می‌تواند روش متفاوتی را برای تقسیم نابرابر سود و زیان پیش‌بینی نماید»^{۷۲}. با وجود این، «درج شروط لئونی (شیری) که بیانگر تعلق تمام منفعت به یک شریک یا معافیت وی از هرگونه ضرر باشد، ممنوع و باطل است»^{۷۳}. طبق قانون مدنی فرانسه نیز جهت سرمایه شرکت مدنی، حداقلی مقرر نشده است و اصولاً هیچ چیزی مانع از آن نمی‌شود که شرکت مدنی فقط بین آورندگان صنعت تشکیل شود و در نتیجه شرکت بدون سرمایه ایجاد گردد؛ چراکه «حسب بند ۱۱ ماده ۱۸۳۲ ممکن است شرکت مدنی منحصرأ فی مابین آورندگان اموال و یا دارندگان صنعت تشکیل شود»^{۷۴}. «البته در حقوق ایران نیز آورده صنعت در تمامی شرکت‌های تجاری به رسمیت شناخته شده است»^{۷۵}.

۷۱. سعید حقانی، پیشین، ص ۱۷۸.

72. La part de chaque associé dans les bénéfices et sa contribution aux pertes se déterminent à proportion de sa part dans le capital social et la part de l'associé qui n'a apporté que son industrie est égale à celle de l'associé qui a le moins apporté, le tout sauf clause contraire. Toutefois, la stipulation attribuant à un associé la totalité du profit procuré par la société ou l'exonérant de la totalité des pertes, celle excluant un associé totalement du profit ou mettant à sa charge la totalité des pertes sont réputées non écrites.

73. Cozuan Maurice; Viandier Alain et Deboissy, *ibid*, p. 77.

74. Cozian Maurice et Mingat Alain, "L'imposition Des Bénéfices de L'entreprise Indivise", p. 625.

۷۵. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، ج ۱، ۱۳۷۵)، ص ۳۳؛ حسن ستوده تهرانی، پیشین، ص ۲۰۹.

نتیجه

از بررسی ماده ۲۴ و تبصره‌های آن چنین مستفاد می‌شود که قانون‌گذار با تصویب ضوابطی خاص نهاد جدیدی را تحت عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» در مقررات ایران شناسایی کرده است. تجربه اقتصادهای نوظهوری چون چین، هند و برزیل به‌خوبی مؤید آن است که این کشورها با به‌کارگیری تکنیک‌های مشارکت و وضع قوانین ویژه مشارکت، تکنولوژی و سرمایه خارجی را سکوی جهش اقتصادی خود قرار داده، با وجود تمامی پیشرفت‌های صورت‌گرفته همچنان خود را مستغنی از مشارکت نمی‌دانند، لکن قانون‌گذار ایران در ماده ۲۴ خصوصیات عجیب و منحصربه‌فردی را برای مشارکت‌های تجارتي مقرر نموده است. از یک سو، الزام بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی در عمل ناکارآمدی این مقررات را جهت تسهیل و تسریع فعالیت گروه‌های اقتصادی موجب می‌گردد، چراکه در شرکت مدنی ارتباط شخصی شرکا با مال مشاع قطع نمی‌شود؛ لذا این قانون را نمی‌توان در وضع موجود گامی به جلو دانست؛ در عین حال، تبصره‌هایی که به قصد ایضاح به این ماده اضافه شده است، نه‌تنها در این کارکرد ناموفق جلوه می‌کنند، بلکه گاه موجب تعارض و ابهامات بیشتر شده‌اند. افزون بر این، از آنجایی که نظام حقوقی ایران با قالبی به نام گروه نامانوس و ناآشناست، تخصیص دادن تنها یک ماده به بیان مقررات حاکم بر این تأسیس نوین، امری به‌دور از منطقی سلیم محسوب می‌شود؛ چراکه صرفاً به بخشی ناچیز و ناکافی از شرایط تشکیل و اداره گروه اکتفا و بسنده شده است. در عین حال، پیش‌بینی نهاد گروه از سوی قانون‌گذار مبین تلاش برای تأسیس نوع جدیدی از مشارکت بوده که به زعم مقنن امکان تشکیل آن در سابق وجود نداشته است، لکن قانون‌گذار در مقرره مصوب از بیان احکام مستقل این نوع مشارکت خودداری نموده است.

در حال حاضر، گروه از مشارکت دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی یا ترکیبی از آن دو در قالب شرکت مدنی تشکیل می‌شود، در نتیجه در عمل نمی‌تواند نام، اقامتگاه و دارایی مستقل از شرکا داشته باشد؛ درحالی که در فرض قبول شخصیت حقوقی علاوه بر تسهیل کارگروه، به نفع اشخاص ثالث نیز بود، زیرا به‌جای لزوم مراجعه به تک‌تک شرکا می‌توانستند به شخصیت حقوقی گروه و سرمایه آن نیز تکیه کنند، متقابلاً گروه نیز

می‌توانست مستقل از اعضای خود، قابلیت مدعی و مدعی‌علیه واقع شدن در محاکم را داشته باشد و دیگر لزومی به اتفاق آرا برای اداره امور گروه نبود.

در حقوق فرانسه افزون بر اینکه «گروه اقتصادی» راساً واجد شخصیت حقوقی مستقل از شرکا است، شرکت مدنی نیز پس از ثبت، طبق مواد ۱۸۳۲ به بعد قانون مدنی از شخصیت حقوقی برخوردار بوده، علاوه بر این، گروه می‌بایستی موضوع قانونی داشته باشد و در جهت منفعت مشترک شرکا تشکیل گردد؛ در نتیجه اموال شرکت از اموال شرکا و سهام‌داران متمایز بوده، پیامد آن حمایت از حقوق اشخاص ثالث و طلبکاران شرکت است.

از نقاط قوت قانون فعلی گروه می‌توان به انعطاف‌پذیری و آزادی بیشتر قراردادی و در عین حال، مسئولیت‌پذیری اعضا در قبال دیون گروه اشاره نمود. قانون‌گذار در عین اینکه مسئولیت تضامنی اعضای گروه را برای پرداخت دیون گروه از اموال خود مفروض دانسته است، لکن استثنائاً عدم تضامن مسئولیت اعضا را به درج در قرارداد و پذیرش آن از سوی ثالث طرف قرارداد منوط نموده است. حسب نص موجود، فقط نفع و زیان و درآمدهای شرکا- و نه مشارکت- مبنای پرداخت مالیات قرار می‌گیرد که مانع از تحمیل مالیات مضاعف به گروه می‌شود.

فقدان تشریفات اداری برای تشکیل یا اختتام گروه و نبود هزینه‌های تشکیلاتی و اداری از ممیزات مثبت قانون موجود است؛ با این همه، نارسایی‌ها، ابهامات و تعارضات متعدد مترتب بر مقررۀ مصوب، بی‌تردید موجب ناکارآمدی ماده ۲۴ و مهجور ماندن آن در مقام اجرا می‌شوند. هرچند امروزه عموم دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف بر ضرورت بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری خارجی به‌منظور دسترسی به توسعه پایدار در کشور تأکید دارند، لکن دستیابی به چنین هدفی مستلزم تصویب مقرراتی جامع و یا اصلاح و تکمیل مقررات موجود ناظر بر گروه است که متضمن تشویق شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ چندملیتی برای سرمایه‌گذاری در ایران خواهد بود.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- فارسی

۱. آریان کیا، رضا و معدولیت، احسان، نظام حقوقی قراردادهای مشارکت z۷ در عرصه صنعت و تجارت داخلی و بین‌المللی، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۴).
۲. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، ج ۲، (تهران: انتشارات اسلامیه، چ ۸، ۱۳۷۲).
۳. اسکینی، ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۷۵).
۴. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱۶، ۱۳۹۸).
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۲).
۶. حقانی، سعید، گروه منفعت اقتصادی، ماهیت و ساختار، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۱).
۷. خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل، مشارکت تجاری، (تهران: انتشارات جنگل، چ ۱، ۱۳۹۲).
۸. رحمانی، تهمینه، راهنمای کاربردی تنظیم قرارداد جوینت ونچر غیرشرکتی، (تهران: انتشارات جنگل، چ ۱، ۱۳۹۱).
۹. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، (تهران: انتشارات دادگستر، چ ۱، ۱۳۷۴).
۱۰. شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، (تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۳، ۱۳۷۳).
۱۱. شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، (تهران: نشر حقوق دان، چ ۱، ۱۳۷۵).
۱۲. قربانی زلیخایی، مجید، وضعیت حقوقی شرکا در قراردادهای z۷، (تهران: انتشارات جنگل، چ ۱، ۱۳۹۵).

۱۳. قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ ره‌پیک، حسن؛ کیایی، عبدالله، *تفسیر قانون مدنی*، (تهران: انتشارات سمت، چ ۹، ۱۳۹۸).
۱۴. کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۴۸).
۱۵. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴).
۱۶. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، مشارکتها- صلح*، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۴، ۱۳۷۶).
۱۷. کاشانی، محمود، *حقوق مدنی قراردادها و ویژه*، (تهران: انتشارات میزان، چ ۲، ۱۳۹۴).

– مقالات

۱۸. اعتضاد بروجردی، محمد، «شرکت»، *کانون وکلا*، ش ۱۴ (۱۳۳۹).
۱۹. حجتی کرمانی، روح‌الامین و بهمنی، محمدعلی، «شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیات مشترک نفتی در ایران»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۹۲ (۱۳۹۸).
۲۰. حقانی، سعید، «گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱۸ (۱۳۸۹).
۲۱. جنیدی، لعلیا؛ تیموری، محمدصادق؛ صقری، محمد و عباسیان، رضا، «صبانت از حق مالکیت خصوصی سرمایه‌گذاران خارجی از منظر حقوق اسلام، ایران و بین‌الملل»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۷ (۱۳۹۷).
۲۲. دیلمی، احمد، «تأملی در قرائتهای مختلف از مسئولیت تضامنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۳ (۱۳۹۰).
۲۳. رهایی، مجید؛ حسینی مقدم، سیدحسین و فلاح خاریکی، سیدحسین، «تبعات منفی فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۹۴ (۱۳۹۷).
۲۴. رستم‌زاده، قاسم‌علی، «بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه؛ گروه اقتصادی با منافع مشترک»، *ماهنامه قضاوت*، ش ۷۴ (۱۳۹۰).
۲۵. صقری، منصور، «شرکت تجاری»، *تحولات حقوق خصوصی*، مقالات هدایی به دکتر سید حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۷۱).

۲۶. صادقی گلدر، احمد، «عقد شرکت، مفهوم و قلمرو آن»، حق، *مطالعات حقوقی و قضایی*، ش ۹ (۱۳۶۶).

۲۷. علومی یزدی، حمیدرضا، «چالشهای حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک»، *پژوهش حقوق خصوصی*، ش ۴ (۱۳۹۲).

۲۸. عیسایی تفرشی، محمد و کبیری شاه‌آباد، حمید، «تحلیل حقوقی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه، شرایط تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک»، *پژوهشهای حقوق تطبیقی*، ش ۲ (۱۳۹۳).

۲۹. معدولیت، احسان، «ملاحظات در باب لزوم و کیفیت ثبت رسمی قراردادهای مشارکت در دفاتر اسناد رسمی و اثر آن بر ایجاد و توسعه امنیت اقتصادی و نظم حقوقی»، *کانون سردفتران*، ش ۱۲۸ (۱۳۹۰).

۳۰. میرشکاری، عباس و ایزانلو، محسن، «نقد مفهوم و آثار طلب مال مشاع»، *حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۲ (۱۳۸۸).

۳۱. نیکوند، شکرالله، «اشاعه و آثار آن در حقوق ایران و فرانسه»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، ش ۳ (۱۳۸۴).

ب) منابع انگلیسی

1. Catala, Pierre, "L'indivision", De frén 1979, Art. 31874.
2. Cozuian, Maurice et Mingat, Alain, *L'imposition Des Bénéfices de Sociétés*, 25^e Édition, Paris: Lexis Nexis, 2012.
3. Cozuian, Maurice; Viandier, Alain; et Deboissy, Florence, *Droit Des Sociétés*, 25^e, Paris: Lexis Nexi 2012.
4. Deboissy, Florence et Wicker, Guillaume, "La Distinction de L'indivision et de la Société et Ses Enjeux Fiscaux", RTD Civ., 2000.
5. Guyon Y. et Coquereau G., *Le Groupement D'intérêt Économique*, Régime Juridique et Fiscale, 2e Dalloz, 1973.

6. Le Cannu Paul et Dondero Bruno, *Droit Des Sociétés*, 9e, Paris: LGDJ, 2022.
7. Lefebvre, F: *Momento Pratique. Societies Civils*; Paris 2012.
8. Magnier Véronique, *Droit Des Société*, 10e, Dalloz, 2022.
9. Merle Philippe et Fauhon, *Droit Commercial Sociétés Commerciales*, Dalloz, 2022.
10. Raymond Gillien et Jean Vincent Lexque de Remes Juridiques, Dalloz. Zed. 2012.

- Code

11. Code Civil Français disponible sur le site <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>.
12. Code commerce Français disponible sur le site <https://www.legifrance.gouv.fr/20/03/2022>

